

## بررسی نقش خانواده ها در تربیت دینی دانش آموزان ( با تاکید بر متوسطه اول )

لیلا اعتمادی نیا<sup>۱</sup>، یحیی نورمحمدی نجف آبادی<sup>۲</sup>، محبوبه فدوی اردستانی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات علوم و قرآن و حدیث، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> استادیار، گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران

<sup>۳</sup> کارشناسی آموزش ابتدایی

### چکیده

این پژوهش به بررسی نقش خانواده ها در تربیت دینی دانش آموزان متوسطه اول می پردازد. از آنجایی که نقش خانواده ها در تربیت به خصوص تربیت دینی دانش آموزان بسیار مهم و پر اهمیت است و دانش آموزان متوسطه اول نسبت به بقیه دوره ها و پایه ها شکنندگی بیشتری در ابعاد دینی دارند. این مقاله به بررسی ابعاد تربیت دینی دانش آموزان و خانواده ها در شناخت و ایمان و عمل دانش آموزان و رابطه تربیت دینی و اخلاقی که خانواده ها می توانند با دانش آموزان داشته باشند تا تربیت دینی دانش آموزان در مدارس استوار تر باشد می پردازد. چرا که دو نهاد خانواده و مدرسه مکمل یکدیگر هستند و بر هم تاثیر متقابل می گذارند و هر یک نقش خاصی در تربیت دانش آموزان ایفا می کنند، برای دستیابی به تربیت مطلوب به خصوص در زمینه مذهبی همکاری این دو نهاد ضروری است. خانواده باید با مطالعه فراوان در زمینه کتاب های تربیتی دینی دانش آموزان آنها را از نظر دینی و اعتقادی حمایت کنند تا آن شکنندگی دینی در متوسطه اول را کاهش پیدا کند.

**واژه های کلیدی:** نقش خانواده ها، تربیت دینی دانش آموزان، متوسطه اول، ابعاد تربیت اخلاقی و دینی

## مقدمه

انسان شگفت‌ترین مخلوق خداوند و والاترین نشانه قدرت حق است. انسان مستعد اتصاف به همه صفات و کمالات الهی است و آفریده شده است تا به مقام (خلیفه الهی) برسد و سیر جز با تربیت دینی میسر نمی‌شود.

تربیت دینی، هر گونه فعالیت هدفمندی است که به منظور ایجاد شناخت و باور به معارف دینی و تقویت آن، گرایش به ارزشها و هنجارهای دینی و التزام عملی به احکام دستورهای دینی مطرح میشود و در مجموع زمینه ساز تکوین هویت دینی و رشد متعادل دین داری در مرتبه‌ی در همه جنبه‌ها گردد از نظر خسرو باقری تربیت دینی، "رشد و تقویت عقاید دینی، حالت و عواطف مذهبی و تقید به مناسک و آداب دینی برای تحقق شخصیتی دیندار است" (باقری ۱۳۸۰: ۷). دایره المعارف بین المللی تربیت، تربیت دینی را چنین تعریف میکند: «تدریس منظم و برنامه ریزی شده که هدف آن دستیابی فرد به اعتقادهایی درباره وجود خداوند، حقیقت جهان هستی زندگی و ارتباط انسان با پروردگار و دیگر انسان‌هایی که در جامعه با آنها زندگی می‌کنند و بلکه با همه ی آحاد بشر است» (مشایخی راد، ۱۳۸۵: ۷۰).

عوامل متعدد در فرایند تربیت و انتقال ارزشهای دینی در فرزند تاثیرگذارند. اما خانواده در این زمینه با نفوذترین عامل به شمار می‌رود. در خانواده است که کودک نخستین چشم انداز، را از جهان پیرامون می‌آموزد و احساس وجود می‌کند و با آداب و رسوم اجتماعی مراسم دینی آشنا و به وظایف فردی و حدود و اختیارات مسئولیتهای خود پی می‌برد زیرا خمیرمایه ی شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و نگرشها رغبتها و رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌های مختلف از خانه سرچشمه میگیرند. (به نقل از بخشی و صباغ اسماعیلی، ۱۳۹۴).<sup>۱</sup>

«هنگامی که خانواده‌ها از نقش نظارتی خود در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی فرزندان غافل می‌شوند. وقتی در درون خانه نگرش‌ها و باورهای غلطی درباره تحصیل و علم آموزی در ذهن فرزندان شکل می‌گیرد. حمایت خانواده‌ها از فرزندان در دوره‌های مختلف تحصیل کم‌رنگ و، یا از بین رفته است. وقتی محیط‌های خانوادگی بعضاً به محیط‌های سرد و بی‌روح مبدل گشته‌اند. و گاه والدین از وضعیت تحصیلی فرزندان خود بی‌خبرند و ارتباط والدین و فرزندان به دلایل متعددی همچون اشتغال تمام وقت والدین در بیرون از خانه به حداقل ممکن رسیده است. دیگر چه انتظاری می‌توان داشت. که چرخ موفقیت تحصیلی فرزندان به درستی و در جهت مثبت پیش رود» (ناصرین، ۱۳۹۴: ۹).

کانتر<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) بیان می‌کند که میزان تاثیر والدین بر روی نگرش‌های فرزندان و رفتار آنها بسیار چشمگیر است. آنها نقش اساسی در شکل‌گیری اعتقادات فرزندان‌شان بازی می‌کنند و نگرش‌ها و اعتقادات خود را به طور مستقیم و غیر مستقیم به کودکان انتقال می‌دهند و کودکان این تاثیر را از روی مشاهده اعمال و رفتار والدین می‌پذیرند. در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که بین گرایش به نماز در جوانان و سطح تحصیلات والدین رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. یعنی با افزایش سطح تحصیلات والدین گرایش به نماز در جوانان افزایش می‌یابد (به نقل از احمدی امیری، ۱۳۸۱).

<sup>۱</sup> <https://civilica.com/doc/467894/>

<sup>۲</sup> Canter

تربیت دینی فرزندان امری لازم و ضروری است. و این ضرورت حداقل از دو دیدگاه فردی و اجتماعی قابل رسیدگی است. از لحاظ فردی مذهب و دین پایه و خمیرمایه همه جوانب و ابعاد زندگی فرد و سبب بسیاری از رشته ها و ایستایی ها است. چه بسیارند امانت های الهی که در سایه بی توجهی اولیای فرزندان به جنبه های عقیدتی و مذهبی او دچار تزلزل می شود. و یا اینکه کودکانی را می شناسیم. که می توانند در آینده ای نزدیک اعضای مفید به حال خود و اجتماع تربیت شوند. «تربیت دینی کنترل برای اخلاق و ضابطه ای برای حیات فردی و اجتماعی به منظور رشد معنویت و آرمان گرایی است. این می تواند تقویت کننده جنبه فراخور، یا وجدان اخلاقی فرد باشد و زمینه را برای وسعت بخشیدن به اطلاعات او فراهم آورد. حجاب های شک و تردید در سایه آن برداشته می شود و انسان به مراحل از لحاظ رشد می رسد. که در سایه استدلال عقلی میسر نیست تربیت دینی فرد را از سقوط حتمی می رهاند. و موجب رشد و تعالی می شود در جنبه اجتماعی، دین و مذهب عامل انس و الفت هستند. و همچنین عاملی برای کنترل فرد در اجتماع خود را از ایذا، و شرارت ها و پدیده ها دور نگه دارد» (سادات نجومی، ۱۳۹۰: ۲۱). «اگر باور داریم که دین برای خانواده اقتصاد سیاست، آموزش، دستورات و تعالی، می دارد. باید قبول کرد که تربیت دینی فرزندان امری بسیار مهم و ضروری است. و این امر مهم محقق نخواهد شد. جز اینکه والدین بدانند مسئول بخشی از شکست و صدمه فردی و جمعی فرزندان در آینده هستند. فرزندان بر اساس آنچه دیده اند و شنیده اند می آموزند و عمل می کنند و از این رهگذر نقش والدین پر معنا خواهد بود» (آقامحمدی، ۱۳۹۳: ۱۲۱).

در ارتباط با «تربیت دینی» و «رشد اخلاقی» کودکان، باید خود والدین عامل به واجبات و دوری کننده از محرمات باشند، با زبان ساده و کودکانه و به تدریج نگرش دینی مطلوب را در آنها بوجود آورند و توجه آنها را به جهان آفرینش و آفریننده عالم، جلب کنند. در طول زندگی انسان هیچ یک از نهادهای سازمان ها و عوامل اثرگذار بر انسان نمی تواند با خانواده و اثرگذاری آن بر کودک برابری کند. والدین به اندازه قابلیت ها و شایستگی های خود می توانند محصول با ارزشی از جهات مختلف، به خصوص رشد دینی و تربیت اعتقادی به یادگار بگذارد. خداوند در قرآن کریم به پاس این ارزش و اهمیت، حقوق والدین را در کنار توحید و خداشناسی قرار داده است. (سوره اسراء آیه ۲۴)

«عوامل مختلفی بر رفتار نوجوانان تأثیرگذارند، متغیرهای ارثی و ژنتیک، زمینه های خانوادگی، گروه دوستان، تأثیر محیط اجتماعی، نهادهای آموزشی و نقش رسانه های جمعی، هر یک به نحوی بر نگرش و رفتار افراد تأثیرگذارند. برخلاف دیدگاه روانشناسانه که بر عوامل ارثی و «تفریدی» تأکید دارند» (آروینجی، ۲۰۰۵). رویکرد جامعه شناسی بر عوامل محیطی و «گروهی» متمرکز است. امروزه عوامل اجتماعی و محیطی اهمیت بیشتری پیدا کرده است به طوری که حتی طرفداران رویکرد ژنتیک نیز بر اهمیت عوامل محیطی تأکید کردند. واقعیت این است که تنها به شیوه های غیرمستقیم و پیچیده و رفتار و تأثیر می گذارد که مستلزم کسب درونداهای از فیزیولوژی بدن، محیط جامعه و فرهنگ است.

«نهاد خانواده به عنوان یکی از متغیرهای مهم محیطی و به تعبیر پیر بورديو اولین «میدانی» که هر فرد بعد از تولد با آن مواجه می شود. در شکل گیری شخصیت فرزندان از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است. و این مسئله را اینگونه بیان می کند که کودکان پیش از مدرسه و در درون خانواده درجات گوناگونی از توانایی فرهنگی از جمله اطلاعات و مهارت ها را به دست می آورند» (ادگار، اندروو سجویک، پیتتر، ۱۳۸۶: ۵۴)

ماکروزه و مک کابی نیز معتقدند خانواده، فرهنگ و مذهب، (ماکروس، ۲۰۰۱). نقش مهمی در احراز هویت نوجوانان ایفا می کند خانواده در عین اینکه کوچکترین واحد اجتماعی است مبنا و پایه هر اجتماع بزرگ تر نیز است (احدی، حسن)

۱۳۷۲) مینوچین خانواده و خاستگاه و کانون شکل گیری هویت می‌دانند و معتقدند از هویت متکی بر دو رکن است یکی "احساس" تعلق و دیگری "تمایز" است. (مینوچین، یالوادر، ۱۳۷۵).

### نقش معلم در تربیت دینی

از آنجا که بیشتر مردم کشور ما، ایران، مسلمانند و حکومت آن اسلامی است، یکی از وظایف اصلی آموزش و پرورش، تربیت دینی نسل جدید است. در روایات معصومان(ع) بر این وظیفه تصریح شده است.

امام سجاد(ع) در رساله حقوق، در بیان حقوق و مسئولیتهای والدین می‌فرماید: «انک مسوول عما ولیته به من حسن الادب و الدلاله علی ربه عز و جل و المعونه علی طاعته؛ بدان که مسئول نیکو تربیت کردن فرزند خود و راهنمایی او به سوی خدا و کمک کردن او برای اطاعت از خدا تو هستی.» همچنین پیامبر(ص) وقتی نمایندگان خود را به نام حاکم به شهرهای تازه مسلمان شده می‌فرستاد، به آنان دستور می‌داد به تربیت دینی مردم همت گمارند.

حضرت در سفارشی به معاذ بن جبل آنگاه که او را به سوی یمن می‌فرستاد فرمود: «یا معاذ علمهم کتاب الله و احسن ادبهم علی الاخلاق الصالحه؛ ای معاذ، کتاب خدا را به آنان بیاموز و آنان را بر اخلاق نیکو به خوبی تربیت کن.» امام خمینی(ره)، بنیانگذار جمهوری اسلامی نیز بر این موضوع تأکید داشت و در مناسبتهای مختلف آن را بیان می‌کرد.

برای مثال، ایشان در دیدار معلمان با وی، فرمود: «باید توجه داشته باشید که این بچه‌هایی که پیش شما هستند تربیت دینی بشوند.

در آموزش و پرورش افراد بسیاری به کار مشغول هستند و فعالیتهای آنان به طور مستقیم یا غیرمستقیم، در تربیت دینی دانش آموزان موثر است. در این میان، نقش معلمان بسیار برجسته‌تر از دیگران است؛ زیرا بیشتر وقت دانش آموزان در مدرسه، کلاس و در کنار معلمان و زیر نظر آنان سپری می‌شود و سایر عوامل دیگر تنها ساز فعالیت معلم هستند؛ از این رو، بسیاری از دانش‌آموختگان، چه در نظام آموزشی سنتی و چه در مدارس جدید، شکل گیری شخصیت خود را مرهون معلمان خود می‌دانند. برای مثال، شهید مطهری در مورد استاد خود امام(ره) می‌گوید: درس اخلاقی که به وسیله شخصیت محبوبم در هر پنجشنبه و جمعه گفته می‌شد و در حقیقت، درس معارف و سیر و سلوک بود، نه اخلاق به مفهوم خشک علمی، مرا سرمست می‌کرد. بدون هیچ اغراق و مبالغه‌ای این درس مرا آنچنان به وجد می‌آورد که تا دوشنبه و سه شنبه هفته بعد، خودم را شدیداً تحت تأثیر آن می‌یافتم. بخش مهمی از شخصیت من در آن درس و سپس در درسهای دیگری که در طی دوازده سال از استاد الهی فراگرفتم انعقاد یافت و همواره خود را مدیون او دانسته و می‌دانم.

با توجه به نقش مهمی که معلم در تربیت دینی دانش آموزان می‌تواند داشته باشد، هرگاه از تربیت دینی دانش آموزان و کامروایی و ناکامی نظام آموزش و پرورش در این زمینه سخن به میان می‌آید، انگشت اشاره به سوی معلمان نشانه می‌رود.

### تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده

یکی از مکانهایی که می‌تواند و باید نقش ارزنده‌ای در انتقال مفاهیم دینی به فرزندان داشته باشد، خانواده است. در این مقاله خانواده‌ها از لحاظ گرایشهای دینی به مذهبی، فاقد مذهب و ضدمذهب تقسیم شده‌اند. خانواده‌های فاقدمذهب و ضدمذهب

اساساً به غنی‌سازی پایه‌های اعتقادی فرزندان خود نیازی نمی‌بینند درحالی که خانواده‌های مذهبی برای استحکام و تقویت پایه‌های اعتقادی فرزندان خود راهکارهایی را جستجو، و از این لحاظ احساس وظیفه می‌کنند تا بخشی از حقوق فرزندان خود را تأمین کنند.

دین اسلام برای پیروان خود احکام و دستورالعمل‌هایی را وضع کرده و از مسلمانان، رعایت و اجرای آنها را خواسته است. تفکرات و اندیشه‌های غیرالهی نیز به نظر انسانها بازمی‌گردد که البته همه آنها نیز ضددینی نیست. با توجه به هدف مقاله نکاتی که درخصوص احکام دینی می‌توان مدنظر قرارداد بدین شرح است: اول اینکه این احکام فقط بعد فردی را دربر نمی‌گیرد بلکه بسیاری از آنها ابعاد اجتماعی دارد که در روابط اجتماعی باید مراعات شود و عدم توجه به آنها پیامدهای منفی به دنبال دارد. دوم اینکه این احکام آموختنی است، لذا می‌توان از آموزش و پرورش دینی سخن گفت. نکته سوم اینکه یکی از مکانهایی که می‌تواند و باید نقش ارزنده‌ای در انتقال مفاهیم دینی به فرزندان داشته باشد، خانواده است. در این مقاله خانواده‌ها از لحاظ گرایشهای دینی به مذهبی، فاقد مذهب و ضدمذهب تقسیم شده‌اند. خانواده‌های فاقدمذهب و ضدمذهب اساساً به غنی‌سازی پایه‌های اعتقادی فرزندان خود نیازی نمی‌بینند درحالی که خانواده‌های مذهبی برای استحکام و تقویت پایه‌های اعتقادی فرزندان خود راهکارهایی را جستجو، و از این لحاظ احساس وظیفه می‌کنند تا بخشی از حقوق فرزندان خود را تأمین کنند.<sup>۳</sup>

### پیشینه تحقیق

جوادی و سادی (۱۳۷۶) در مطالعه خود گرایش دانش آموزان دختر راهنمایی و پسر متوسطه به نماز را مورد بررسی قرار دادند. که نتایج این تحقیق نشان داد که عوامل موثر درگرایش دانش آموزان این مقطع تحصیلی به نماز شامل: دبیران دینی، مربیان تربیتی، دوستان، همسالان، والدین و محتوای کتاب دینی هستند (به نقل از سواری و همکاران، ۱۳۸۰)

حسینی و دلاویز (۱۳۷۱) پژوهشی را درباره علل عدم گرایش به نماز بر روی ۱۰۰۰ دانش آموز دوره راهنمایی و دبیرستان استان مازندران انجام داده‌اند و مهمترین علل عدم گرایش دانش آموزان به نماز را به شرح زیر عنوان کرده‌اند: تنبلی و سستی، عدم آگاهی و شناخت پیرامون فواید و آثار نماز عدم تاثیر نماز در اخلاق و رفتار نمازگزاران عدم اهمیت افرادی چون پدر مادر و دوستان آنها به نماز است (به نقل از بشلیده و دیگران، ۱۳۸۲)

نگاهی به تحقیقات پیشین مساله نشان می‌دهد در رابطه با نقش خانواده ها در تربیت دینی دانش آموزان نوشته شده ولی تاکنون به نقش بنیادی خانواده های تحصیل کرده و شاغل و آسیب های رفتاری و صمیمیت در تربیت دینی آنها بررسی نشده است . با توجه به اینکه در دوره متوسطه اول دانش آموزان با مفاهیم بلوغ در کتب درسی آشنا میشوند و روحیه انعطاف پذیری دارند در این حین در دوره دوست یابی هستند و احساسات درونی خود را بروز نمی دهند . خانواده باید با صمیمیت و مطالعه کتب روانشناسی از بعد دینی و عاطفی دانش آموز را تأمین کند و بررسی منشا، خلا تربیتی در خانواده ها باعث بهبود و شناسایی آسیب های دانش آموزان متوسطه اول میشود .خانواده هایی که از تحصیلات متوسط و بالایی برخوردار هستند آیا همه فرزندان شان از نظر دینی کاملاً پوشانده شده اند ؟ بر اساس این چالش ها راه کار هایی برای بهبود وضعیت تربیت دینی دانش آموزان متوسطه اول توسط خانواده ها ارائه میشود .

<sup>۳</sup><http://5220816.blogfa.com/post/2>

این مطالعه در پی پاسخگویی به پرسش های زیر است ؟

۱: بررسی آسیب های قشر خانواده های روحانی در تربیت دینی دانش آموزان متوسطه اول ؟

۲: راه حل های مناسب در برخورد صمیمانه خانواده ها در تربیت دینی دانش آموزان ؟

## بحث و بررسی

### ابعاد تربیت

در ابتدا به تعریف تربیت می پردازیم، تربیت شامل ایجاد یا فعلیت بخشیدن هر نوع کمالی در انسان می شود که مطلوبیت و ارزش داشته باشد. این کمال گاهی جنبه شناختی دارد که به دانش، شناخت و آگاهی انسان مربوط می شود گاهی نیز جنبه کنشی یا حرکتی دارد که به رفتارها و اعمال عینی انسان که اغلب دارای مظاهر جسمانی هستند مربوط می شود و بالاخره گاهی جنبه گرایشی یا عاطفی دارد که با نگرش، اعتقاد، ایمان و علایق، احساسات انسان مرتبط است. تربیت به مفهوم عام آن، شامل جنبه های گوناگون ( جسمانی، روانی، عاطفی، عقلانی، اجتماعی، اخلاقی و دینی) است و هر یک از این ابعاد به لحاظ روان شناختی و تربیتی در زندگی انسان اهمیت فراوان دارد. آنچه در دوره نخست زندگی توجه بدان لازم است پرورش و رشد هماهنگ و منظم ابعاد وجودی کودک است؛ به گونه ای که اگر در بعضی آن ها، دچار نارسایی گردد و یا احیاناً رشد مطلوب نیابد در آینده دچار مشکل خواهد شد. تحقق این امر، مسئولیت بزرگی است که بر دوش مربیان کودک و نوجوان، اعم از والدین، آموزگاران و دست اندرکاران امور تربیتی مدارس، گذاشته شده است.

تربیت دارای دو نقش مهم آموزش و پرورش است که در یکی اهتمام به آموزش فنون، مهارت ها و توانایی های لازم برای رفع نیازهای جامعه است و در دیگری پرورش حس دینی و مذهبی کودک که به صورت فطری در نهاد او به ودیعت گزارد شده، مورد توجه است. بررسی همه ابعاد تربیت به لحاظ نقش اساسی آن ها در زندگی انسان لازم است، ولی در یک مقاله نمی گنجد، بدین روی، در این نوشتار، تنها به بررسی تربیت دینی اکتفا می شود، وقتی با معنی تربیت آشنا شدیم باید به معانی و انواع تربیت دینی بپردازیم که در ادامه آن را توضیح خواهیم داد.

### ۱- تربیت دینی

شناخت مفهوم «تربیت دینی» منوط به شناخت معنای دو کلمه «تربیت» و «دین» است. از این رو، لازم است به معانی این دو واژه اشاره شود:

واژه «تربیت» در لغت، به معنای پروراندن یا پرورش دادن - یعنی: به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه آمده. اما در اصطلاح، تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. این تعاریف در عین تعدد، همگی در این جهت توافق دارند که تربیت فرایندی است که نتیجه اش تغییر رفتار فرد (اعم از ظاهری و باطنی) و کسب هنجارهای مورد قبول می باشد

با توجه به این مطلب، اولاً، حصول چنین چیزی نمی تواند دفعی باشد. ثانیاً، مرتبی نیز باید استعدادهای لازم را برای تربیت پذیری دارا باشد. اما علاوه بر این، پرورش واقعی در صورتی محقق می شود که جریان تربیت بر اساس فطرت و سرشت مرتبی انجام گیرد.

واژه «دین» نیز در لغت، به معنای کیش، آیین، طریقت، و شریعت و در اصطلاح، عبارت است از: مجموعه اصول و قواعد بنیادی و احکام و دستوراتی که از سوی خدا به انسان داده شده است. به عبارت دیگر، دین شامل گزاره های توصیفی و تجویزی است و سه عنصر اساسی دارد:

۱-الف. شناخت: نخستین عنصر مؤثر در دین داری و تدین، علم به اصول و قواعد ضروری دین است. یعنی متدین باید گزاره های دینی را از طریق استدلال و برهان عقلی دریافت نماید؛ مانند توصیف این که «الله آفریننده جهان است» یا «خدا یکی است» از گزاره های توصیفی مربوط به مسائل اعتقادی است که یک موحد باید بداند. آنچه در این زمینه قابل توجه است این که در باب شناخت گزاره های دینی، نباید به ظن و گمان قناعت کرد؛ زیرا خداوند می فرماید: «لا تقف ما لیس لک به علم (اسراء: ۳۲)؛ از چیزی که به آن علم نداری پیروی نکن». بلکه به علم و یقین باید رسید.

۲-ب. ایمان: عنصر دوم در دین التزام قلبی انسان به باورها و اصول مسلم دینی است. به کسی که اعتقاد قلبی نسبت به خدا نداشته باشد، متدین گفته نمی شود. ریشه تمام ارزش های اخلاقی ایمان به گزاره های دینی بوده و این ایمان مبتنی بر معرفت و شناخت است، به گونه ای که هر چه معرفت کامل تر باشد، آن ایمان نیز بارورتر خواهد بود. البته علم و ناخت شرط کافی برای ایمان نیست، بلکه شرط لازم آن است و عنصر اراده و گرایش باطنی به التزام قلبی نسبت به باورهای دینی جزء اخیر ایمان را تشکیل می دهد. با توجه به این مطلب، ایمان یک عمل قلبی کاملاً اختیاری است که فرد پس از شناخت لازم و به دور از فشارهای بیرونی یا اصول اسلامی را پذیرا می شود و یا آن را انکار می کند. چه بسا افرادی هستند که در عین شناخت گزاره های دینی، در اثر لجاجت و عناد، ایمان نمی آورند. در مورد انتخابی بودن ایمان، شواهد فراوانی از آیات قرآن وجود دارد؛ از جمله این که خداوند می فرماید: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا و اما کفورا» (انسان: ۴)؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر و پذیرا باشد یا کفران کننده و ناپذیرا. در جای دیگری می فرماید: «لا اکراه فی الدین» (بقره: ۲۵۶)؛ در قبول دین اکراهی نیست.

۳-ج. عمل: عنصر سوم دین عمل به گزاره های تجویزی و احکام دینی است؛ یعنی: آنچه را فرد از باورهای دینی می داند و به آن ایمان دارد، در مرحله عمل نیز آشکار سازد. عملی از نظر اسلام ارزشمند است که ناشی از ایمان راسخ به اصول دین و ارزش های مذهبی باشد. در موارد متعددی از قرآن کریم، ایمان پیش از عمل صالح ذکر شده است؛ مانند «آمنوا و عملوا الصالحات» (یونس: ۱۰) و این می رساند که هیچ عملی بدون ایمان نیکو و پذیرفته نیست.

در این مورد، شواهد فراوانی از قرآن وجود دارد که عمل صالح را مشروط به ایمان می کند؛ نظیر «من عمل صالحا من ذکر او انثی و هو مؤمن فلنحیینه حیه طیبه» (نحل: ۱۲۹)؛ هر کس از مرد و زن کار نیکی انجام دهد، به شرط این که ایمان داشته باشد، ما او را زندگی پاک و پاکیزه ای می بخشیم.

از آنچه درباره دین و تربیت گفته شد، روشن گردید که مفهوم «تربیت دینی» در ارتباط با سه محور شناخت، ایمان و عمل قابل تحقق است. این سه عنصر در تربیت دینی هر کس، نقش اساسی دارد و مربی بر همین اساس باید عمل تربیت دینی را اجرا کند. بنابراین، می توان گفت: «تربیت دینی» فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می گیرد. در ضمن آشنایی با تربیت دینی و انواع آن باید به تربیت دینی خانواده بپردازیم که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

## ۲- تربیت دینی خانواده

بر اساس آیات و روایات اسلامی، سرپرست خانواده، اعم از پدر و مادر و یا افراد دیگر، نسبت به تربیت دینی فرزندان و دیگر زیر دستان خود، مسؤولیت سنگینی دارد. به همین دلیل، خدای متعال در این زمینه، خطاب به مؤمنان از پیامدهای اخروی آن خبر داده، به آنان هشدار می دهد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها است، نگهدارید.» (تحریم: ۶) نگره داری خویشتن از طریق ترک معاصی و تسلیم نشدن در برابر شهوات سرکش میسور است، نگره داری خانواده نیز به وسیله تعلیم و تربیت درست و فراهم ساختن محیط پاک و به دور از هرگونه آلودگی فکری و عملی حاصل می شود. حضرت محمد (ص) در پاسخ به سؤالی در این زمینه، که چگونه انسان می تواند اهل و فرزندان را از آتش (اعم از آتش دنیا و آخرت) نجات دهد؛ فرمودند: آن ها را به آنچه خدا دستور داده امر و از آنچه نهی کرده باز دارید. اگر از شما پذیرفتند آنان را از آتش جهنم حفظ کرده اید و اگر قبول نکردند به وظیفه خود عمل نموده اید. ضمن آشنایی با تربیت دینی در خانواده باید با جنبه های مختلف در تربیت دینی به صورت گسترده بپردازیم که در ادامه جنبه ها ذکر شده است.

## ۳- جنبه های فردی و اجتماعی تربیت دینی

۳-۱ جنبه فردی: به لحاظ فردی، می توان با تربیت درست کودک فردی صالح و دارای ایمان و اخلاق اسلامی ساخت؛ زیرا شخصیت انسان غالباً از همان سال های اولیه زندگی در محیط خانواده شکل می گیرد. گرایش ها، نگرش ها، افکار، عادات و رفتار انسان از خانه آغاز و با عوامل موجود در محیط تکمیل و تقویت می شود. آنچه را کودک از آغوش خانواده دریافت می دارد در طول زندگی همراه دارد و در شرایط گوناگون زندگی، تحت تأثیر آن قرار می گیرد. افراد صالح و رهبران دینی عموماً از خانواده های پاک و متدین پرورش یافته و ارزش های دینی را از آن جا فرا گرفته اند. بر این اساس، تربیت دینی از نظر فردی، ارتباط انسان را با خدا محکم می کند و زمینه خدمت به اسلام و مردم را در نهاد او فراهم می سازد.

۳-۲ جنبه اجتماعی: تربیت دینی خانواده از نظر اجتماعی نیز آثار قابل توجهی دارد؛ زیرا جامعه از واحدهای کوچکی به نام «خانواده» تشکیل شده و اگر این واحدها اصلاح گردد مسلماً جامعه اصلاح می شود. خانواده ها به عنوان هسته اصلی جامعه، در اصلاح و یا افساد آن نقش اساسی دارند؛ زیرا کودکان امروز، که در آغوش خانواده پرورش می یابند، مربیان، مجریان و قانون گذاران آینده خواهند بود. اگر نسل امروز با برنامه های درست دینی و اخلاقی تربیت یابند، اجتماع آینده به یقین، صالح و تکامل یافته خواهد بود بدین روی، پدران و مادران مسؤولیت بزرگی در برابر جامعه دارند و باید در انجام آن سعی و تلاش فراوان نمایند.



اگر پدران و مادران در زمینه تربیت دینی به وظیفه خود عمل نمایند و فرزندان صالحی تحویل جامعه دهند، گذشته از آثار فردی و اجتماعی، به پاداش های بزرگ الهی نائل می شوند. در زمینه پاداش اخروی این گونه پدران و مادران روایات فراوانی در اختیار است؛ از جمله رسول اکرم (ص) فرمودند: «هر کس دختری داشته باشد و او را نیکو ادب بیاموزد و در تعلیم و تربیتش کوشش نماید و اسباب رفاه و آسایش و زمینه تربیت دینی او را فراهم سازد، آن دختر او را از آتش دوزخ نجات می دهد.» در روایت دیگری آمده است: «وجبت له الجنة» بهشت برایش واجب می شود.

ضرورت توجه پدران و مادران به تربیت دینی فرزندان از روایات متعددی استفاده می شود که باید به آن اهمیت داد. بسیاری از مشکلات جوامع کنونی در اثر بی توجهی خانواده ها به تربیت صحیح فرزندان، اعم از دختر و پسر، است؛ جوانان بی بندوباری که در خیابان ها، کوچه ها و محله ها دست به اعمال خلاف می زنند و جامعه را آلوده می سازند از خانواده های بی مسئولیت وارد جامعه می شوند. بعد از ذکر جنبه های مختلف تربیت و ابعاد آن لازم به ذکر شیوه های تربیت دینی خانواده که تاثیر اساسی بر تربیت دینی دارد. هست که در ادامه خواهیم پرداخت.

#### ۴- شیوه های تربیت دینی خانواده

تربیت دینی در محیط خانواده دارای دو شیوه اساسی کلامی و نمادین است که هر یک در تربیت کودک نقش اساسی دارد. به طور خلاصه، به آن ها اشاره می شود:

۴-۱ الف. شیوه کلامی: منظور از شیوه کلامی (دستوری - بیانی) امر و نهی های والدین و دیگر اعضای خانواده است که نسبت به بایدها و نبایدهای دینی کودک صورت می گیرد؛ یعنی: به آنچه پدر و مادر در مورد انجام احکام و کارهای دینی به کودک دستور می دهند «شیوه» کلامی تربیت گفته می شود. این نوع تربیت به نوبه خود، در رشد و شکوفایی حس دینی کودک تأثیر فراوان دارد؛ زیرا کودک در دوره کودکی وابستگی کامل به والدین دارد و با دید مثبت به آن ها می نگرد و هر چه از آنان دریافت کند، می پذیرد. گفتارهای والدین، اعم از دستوری و غیر دستوری، حتی سخنان معمولی آن ها در شکل گیری رفتار و افکار کودک مؤثر است و چه بسیار سخنان نامناسب و احياناً دروغ ها، سرزنش ها و تهدیدهایی که در محیط خانه جریان می یابد در روح کودک اثر منفی می گذارد. بر این اساس، پدر و مادر لازم است در گفتار و دستورات خود به کودک، دقت نمایند تا عامل بدآموزی فرزندانشان نگردد.

۴-۲ ب. شیوه نمادین (عملی): به آنچه کودک از اعمال و رفتار والدین و دیگر افراد خانواده یاد می گیرد بدون این که دعوتی از او شده باشد، «شیوه نمادین (عملی)» تربیت گفته می شود. این گونه یادگیری و تربیت به صورت پنهان صورت می گیرد و در شکل گیری شخصیت کودک بسیار مؤثر بوده و در عین حال، دارای دامنه گسترده ای است

اساساً یکی از شیوه های تربیتی انبیا: تربیت از راه عمل بوده و برای تربیت دینی مردم از آن استفاده می کرده اند؛ یعنی: پیش از آن که به مردم دستوری بدهند، خود به آن عمل می نمودند و برای مردم الگو قرار می گرفتند. بیش تر مردم و به ویژه کودکان، از رفتار ظاهری دیگران تقلید می کنند و یا پس از مشاهده رفتار آن ها دست کم، زمینه تربیت کلامی برایشان فراهم می شود. بر این اساس، حضرت ابراهیم (ع) برای هدایت بت پرستان از شیوه غیر کلامی و عملی استفاده می نمود و به جای موعظه و نصیحت با شکستن بت ها به آن ها نشان داد که چنان معبودهایی بی روح نفع و ضرری به حالشان ندارد و وقتی بت

پرستان او را مورد بازپرسی و تهدید قرار دادند، برای او زمینه تربیت کلامی فراهم شد و با بیان قوی و استدلال منطقی به سؤالات بت پرستان پاسخ داد و وجدان ختفه آن ها را بیدار ساخت. در اثر گفتار منطقی و بیان شیوای حضرت ابراهیم (ع)، فطرت توحیدی بسیاری از بت پرستان از پشت پرده های جهل و تعصب ظاهر گشت و گروهی از آن ها به دین توحیدی گرویدند.

پیامبر گرامی (ص) نیز در موارد متعددی، مانند تعلیم نماز و حج، از این شیوه استفاده کردند و فرمودند: «صلوا کما رایتُمونی اصلی» (۲۱)؛ نماز بگزارید، آن گونه که می بینید من نماز می گزارم.

استفاده از شیوه غیر کلامی و عملی در تربیت دینی کودک نیز بسیار مؤثر است و باید در این زمینه، از آن بهره گرفت. دوره کودکی دوره وابستگی و اعتماد کامل کودک به والدین است و میزان تأثیرپذیری او از پدر و مادر بسیار عمیق و پابرجاست. از این رو برای تربیت دینی کودک فرصت مناسبی است. بیش ترین ارتباط کودک در این دوره با والدین است و ارتباط در تمامی ابعاد پنهان و آشکار و کلامی و غیر کلامی آن زمینه ساز رشد و تحول کودک در جنبه های روحی و بدنی است. تنها الگوی مورد اعتماد کودک در این دوره، پدر و مادر است و تا آن جا که بتواند، خود را بر اساس رفتارهای آنان منطبق می سازد.

چشمان ظریف و تیزبین کودک مانند دوربین حساس از تمام صحنه های زندگی خانواده و به خصوص حرکات و رفتار والدین و دیگر اعضای آن، فیلم برداری می کند. از لبخندها، زمزمه ها و نوازش های والدین درس خوش بینی، امیدواری، اعتماد و محبت می آموزد و به عکس، از تندى ها، بد رفتاری ها و عصبانیت های آن ها درس تندى و بداخلاقی می گیرد. معمولاً کودک سخن گفتن، آداب معاشرت، رعایت نظم یا بی نظمی، امانت داری یا خیانت، راست گویی یا دروغ گویی، خیرخواهی یا بدخواهی را در محیط خانه فرا می گیرد. اگر پدر و مادر به دستورات دینی اهمیت دهند، اهل عبادت، نماز، دعا، تلاوت قرآن و توجه به معنویات باشند، بدون شک، بر ابعاد روحی و دینی کودک تأثیر می گذارند (۲۳). به همین دلیل، کودک سه یا چهار ساله هنگام مشاهده نماز والدین به نماز ترغیب می شود و مانند آنان به رکوع و سجده می رود. فرزندان کوچکی که همراه پدر و مادر به مساجد و حسینیه ها رفته در مجالس عزاداری امام حسین (ع) شرکت می نمایند و مانند پدر و مادر خود را به حالت گریه در می آورند، همه حاکی از تأثیر عملکرد والدین بر رفتار دینی فرزندان است. اظهار این گونه رفتارها از کودک ناشی از تأثیر عمیق رفتار والدین بر جسم و روح اوست که غالباً تبدیل به ملکه می شود و تا پایان عمر در او باقی می ماند.

از میان اعضای خانواده، مادر نقش بیش تری در تربیت کودک دارد؛ چرا که او نخستین کسی است که رابطه ای مستقیم با کودک دارد، نیازهای او را تأمین می کند و به خواسته هایش پاسخ می گوید. از این رو، کودک از عواطف، احساسات، نگرش ها و اندیشه های مادر بیش تر متأثر می شود و بر این اساس، وظیفه مادر در قبال تربیت دینی کودک سنگین تر است. در تربیت دینی توسط خانواده ها قطعاً عوامل مختلفی دخیل هستند که در مورد بعد به اختصار آورده ایم.

## ۵- عوامل مؤثر در تربیت دینی خانواده

۵-۱ تغذیه: هر چند از دیدگاه اسلامی، حقیقت انسان جنبه روحانی و معنوی اوست و هدف اصلی تربیت نیز پرورش حس دینی و رسیدن آنان به کمالات معنوی می باشد، ولی با وجود این، جنبه جسمانی او را نمی توان نادیده گرفت؛ زیرا جسم و روح رابطه متقابل با هم دارند و هر کدام بر دیگری تأثیر می گذارند. بنابراین، عوامل مؤثر در تربیت نیروی جسمی انسان بر

جنبه روحی او نیز مؤثر است و بدین دلیل، باید به آن، توجه کرد. از جمله عوامل مؤثر بر جسم انسان، تغذیه، نوع غذا و کیفیت آن است که به لحاظ تاثیرگذاری بر نگرش، گرایش و عملکرد او باید مورد بررسی قرار گیرد.

به نظر روان شناسان، «سلامت بدن بیش از هر چیز، به چگونگی غذای شخص مربوط است و حالات روانی و روحی نیز همواره از حالات بدنی متأثر می شود و بدین ترتیب، چگونگی تغذیه در رشد ذهنی و بدنی انسان اثر می کند.» (۲۴) امروزه از نظر علمی ثابت شده است که تغذیه سالم مادران پس از انعقاد نطفه، در دوره بارداری، در تکامل جسمانی و روحانی کودک تأثیر فراوان دارد. به همین دلیل، مادران در این دوره، از مصرف برخی داروها و مواد الکلی که ممکن است موجب بروز اختلالات عصبی و روانی کودک گردد، نهی شده اند.

در مورد تأثیر غذا بر اعمال و رفتار انسان در دوره های گوناگون زندگی، روایات فراوانی از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار رسیده که به برخی آن ها اشاره می شود:

حضرت محمد (ص) درباره تأثیر غذا و کیفیت آن بر اعمال عبادی و دعاهاى انسان فرمودند: «هر کس به اندازه یک لقمه حرام بخورد، چهل شب و روز نمازش قبول نمی شود و دعایش به اجابت نمی رسد و هر گوشتی که از حرام رشد کرده باشد سزاوار آتش دوزخ است.

در روایت دیگری از رسول اکرم (ص) در این زمینه، آمده است: «بدنی که از طریق حرام تغذیه کرده باشد داخل بهشت نمی شود.

در زمینه تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی انسان، جای انکار نیست. از این رو، دین اسلام برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن نسبت به تغذیه مادران و فرزندان، توصیه های فراوانی نموده که اگر به خوبی اجرا شود، مسلماً مشکلات تربیتی پدید نمی آید. امروزه بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی در اثر غذاهایی است که به نحوی از راه حرام به دست آمده و در خانواده ها به مصرف می رسد. کودکانی که با غذای حرام تغذیه شوند و دوره حساس کودکی را به همین صورت سپری نمایند، فطرت دینی خود را از دست می دهند و به هر خلاقی دست می زنند. دلیل بر این مطلب کلامی است از امام حسین (ع) که در روز عاشورا پس از ناامیدی از هدایت لشکریان عمر سعد خطاب به آنان فرمودند: «به تحقیق، شکم های شما از حرام پر شده است» یعنی: گوشت و پوست شما از حرام پرورش یافته و قابل هدایت و اصلاح نیستید و حتی کلام امام معصوم (ع) بر شما تأثیری ندارد.

از مجموع روایات، برمی آید که تغذیه حلال و مطلوب، اعم از شیر مادر و غذا، در دوره کودکی بر تربیت دینی کودک تأثیر فراوان دارد. از این رو بر پدران و مادران لازم است به این دستورات معصومین: توجه کنند و از غذاهای حلال استفاده نمایند تا فرزندان صالح و مفید، هم برای خودشان و هم برای جامعه تربیت کنند. شخصیت های بزرگ دینی و اسلامی در آغوش پدران و مادران مؤمن و متدین پرورش یافته اند که منشأ خیرات و برکات قرار گرفته اند. درباره شیخ انصاری؛ نقل شده است که مادرش هیچ گاه بدون طهارت، به ایشان شیر نداد. مرحوم شیخ انصاری در اثر این مراقبت ها و تربیت درست خانوادگی به مقامی رسید که جهان اسلام و حوزه های علمیه شیعه تاکنون مدیون خدمات علمی و فرهنگی اوست.

**۵-۲ دستورات والدین:** نهاد خانواده یک نظام کوچک اجتماعی است که اعضای آن ارتباط متقابل با یکدیگر دارند. اگرچه افراد خانواده روابط گوناگونی با هم دارند، ولی آنچه بیش از همه مؤثر به نظر می رسد ارتباط کلامی است؛ زیرا بایدها و

نبایدهای دینی و دیگر معارف اسلامی معمولاً در قالب گفت و گو و دستورات توسط پدر و مادر به فرزندان القا می شود. دستورات والدین نقش اساسی در تربیت دینی کودک دارد و آن ها می توانند با ارائه رهنمودهای درست به فرزند خود، پایه های فکری او را به شکل کاملاً مطلوب بنیان نهند. در این زمینه، نکات چندی به نظر می رسد که ذیلاً بدان ها اشاره می شود:

**۵-۲-الف - درست بودن دستورات والدین:** از عوامل مؤثر در شکل گیری نظام فکری و دینی کودک، امر و نهی های پدر و مادر و دیگر کسانی است که به او آموزش دینی می دهند. کودک تمامی فرمان هایی را که از ناحیه والدین و دیگر مربیان سبب به او صادر می شود، درست می پندارد و به آن ها عمل می کند. یکی از شروط تربیت درست کودک و به خصوص تربیت دینی او، درست بودن فرمان هایی است که به وی داده می شود. اگر دستورات والدین به کودک در زمینه احکام و معارف دینی صحیح و آگاهانه باشد در تمام زندگی مشکل دینی نخواهد داشت؛ زیرا یادگیری در دوره کودکی بسیار پایدار و بادوام است و آنچه کودک در این دوره فرا می گیرد تا پایان زندگی از آن متأثر می شود. بنابراین، لازم است خود والدین نخست آشنایی کامل با احکام و مسائل دینی پیدا کنند، سپس آن ها را به صورت درست به فرزندانشان منتقل نمایند. متأسفانه بسیاری از پدران و مادران با مسائل دینی آشنایی کافی ندارند و در این زمینه، مطالبی را به فرزندان ارائه می دهند که در واقع، خلاف احکام دینی است. آموزش های غلط والدین در محیط خانه موجب برداشت های نادرست کودک از دین می شود که از پیامدهای سوء آن انحراف فکری فرزندان است. گناه و کیفر این گونه آموزش های نادرست بر عهده والدین است که در عالم پس از مرگ مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت.

درباب امر به معروف و نهی از منکر، آیات و روایات متعددی بر اهمیت این دو فرضیه الهی دلالت دارد و همه مسلمانان را به انجام آن دعوت می کند. اما یکی از شروط اجرای این فرضیه بزرگ شناخت «معروف» و «منکر» است که مجری امر به معروف و نهی از منکر باید بداند معروف و منکر یعنی چه، وگرنه ممکن است به صورت وارونه (معروف را منکر و منکر را معروف) معرفی کند. از جمله جاهایی که این وظیفه عمومی باید اجرا شود، محیط خانواده است و این، شناخت پدران و مادران را از معروف ها و منکرهای دینی می طلبد. در نتیجه، درست بودن دستورات پدر و مادر نقش اساسی در تربیت دینی کودک دارد و بر این اساس، وظیفه والدین بسیار سنگین است و باید سعی کنند مسائل دینی را با شناخت کافی و به صورت صحیح، به فرزندان یاد دهند.

**۵-۲-ب - هماهنگ بودن دستورات والدین:** از دیگر عوامل مؤثر در تربیت دینی کودک، هماهنگی مربیان و به خصوص پدر و مادر در تربیت فرزندان، اعم از تربیت کلامی و غیر کلامی، است؛ یعنی: اگر پدر کاری را بد بداند و کودک را از انجام آن باز دارد، مادر نیز آن کار را بد بداند و فرزند را از ارتکاب به آن نهی کند. اگر دستورات والدین به کودک، هماهنگ نباشد و کودک گفتارهای ضد و نقیض از آن ها بشنود، دچار سرگردانی می شود و نمی تواند راه درست را انتخاب کند. این گونه کودکان همیشه سعی می کنند تا در برابر ارتکاب خلاف راه فراری برای خود جستجو نماید. اما اگر والدین به صورت هماهنگ، بایدها و نبایدهای دینی را به کودک ارائه دهند و از او رعایت آن ها را بخواهند، کودک تحت تأثیر فرمان های آنان، خود را ملزم به رعایت ارزش های صحیح می داند. به عنوان مثال، اگر پدر در محیط خانه نسبت به حجاب دختر اهمیت قائل شود و به رعایت آن امر نماید، مادر نیز رعایت حجاب را از دختر بخواهد، معلم هم بر این موضوع تأکید ورزد، آن دختر مسلماً خود را موظف به رعایت آن می داند.

بر این اساس، مربیان کودک و نوجوان، اعم از والدین و معلمان، باید به این مهم توجه کنند و در ارائه ارزش ها و معارف دینی به کودکان، هماهنگ عمل نمایند، وگرنه ممکن است کودک در اثر اختلاف عملکرد و بینش مربیان دچار تضاد در یادگیری گردد و به اضطراب و بی اعتمادی گرفتار شود (۳۴). هرگونه دستور ناهماهنگ در محیط خانه نسبت به ارزش های دینی موجب تزلزل در باورها و نظام ارزشی کودک می شود و در نتیجه کودک قادر به تصمیم گیری و نشان دادن واکنش مناسب در برابر حوادث نخواهد بود.

**۵-۳-۲ - قابل فهم بودن دستورات والدین:** یکی از شروط لازم برای تأثیر امر و نهی والدین در محیط خانه، قابل فهم بودن آن برای کودک است. پدر و مادر باید با توجه به آمادگی ذهنی و ادراکی کودک به او دستور دهند. اساساً شیوه تعلیمات انبیا: در تبلیغ دین به مردم این بوده که با هر کس به قدر استعداد و سطح درک و فهمش سخن می گفتند. به همین دلیل، پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: (ما گروه پیامبران مأمور شده ایم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم). این روش در سیره ائمه معصوم (ع) نیز وجود داشته و نحوه برخورد و گفت وگویی آنان با توجه به تفاوت سطح فکری و علمی افراد متفاوت بوده است. بر این اساس، امام صادق (ع) در زمینه مسائل اعتقادی و اثبات صانع با کسی که از اهل علم بود، از روش پیچیده فلسفی استفاده کردند، ولی با دیگری که سطح فکری پایین تری داشت، برای اثبات امامت و رهبری، مثال ساده چوپان و گله را مطرح نمودند. این شیوه به لحاظ تربیتی، اهمیت فراوان دارد و بهره گیری مربیان از این روش و توجه پدر و مادر به آن ضروری است.

این شیوه تربیتی را از قرآن مجید نیز می توان استفاده کرد. خدای متعال به پیامبرش (ص) دستور می دهد که در برخورد با مردم با توجه به خصوصیات آنان، از سه روش استفاده کن: با یک دسته از مردم که اهل فکرند، با حکمت و استدلال، با گروه دیگر، با موعظه و نصیحت و با عده ای که اهل عناد و لجاجت اند با جدال احسن برخورد نما. پیامبر گرامی (ص) نیز بر اساس دستور الهی، متناسب با میزان عقل و درک مخاطب با او سخن می گفتند و هیچ گاه از این روش عدول نکردند.

امروزه روان شناسان و کارشناسان امور تربیتی نیز به این نتیجه رسیده اند و مساله رعایت تفاوت های فردی را مطرح می کنند؛ یعنی: هر کس خصوصیات منحصر به فردی دارد که باید به آن توجه نمود، به ویژه در دوره کودکی، رعایت این تفاوت ها در تربیت کودک نقش اساسی دارد. تفاوت در استعداد و میزان درک و فهم مطالب از محورهای مهم تفاوت فردی است که باید در محیط خانه به وسیله والدین رعایت گردد.

**۵-۳-۳ مطابقت گفتار و رفتار والدین:** یکی دیگر از عوامل مؤثر در تربیت دینی کودک، هماهنگ بودن علم و عمل مربی است؛ یعنی: آنچه مربی از کودک می خواهد و به انجام آن دستور می دهد، پیش از هر چیز، خود عامل به آن باشد. انطباق علم و عمل در محیط خانه، که فضای شکل گیری منش ها و باورهای دینی و اخلاقی کودک است، اهمیت فراوان دارد. پدر و مادر، که نقش اساسی در تربیت و به خصوص تربیت دینی، کودک دارند، موظف اند هر گاه کاری را از کودک می خواهند، خود نیز به آن بها داده، عمل نمایند. پدر و مادر به عنوان الگوی تربیتی برای فرزند، خودشان باید پاک، متدین و عامل به دستورات الهی باشند تا بتوانند فرزندان پاک و صالحی تحویل جامعه دهند، وگرنه چراغی که خاموش و فاقد نور است، نمی تواند به دیگران نور ببخشد.

درباره مطابقت گفتار و رفتار واهمیت دادن به عمل، روایات متعددی از معصومان: رسیده است؛ از جمله، در این باره، امام صادق (ع) فرمودند: «مردم را با اعمال خود به خوبی ها دعوت نمایید و تنها به زبان اکتفا نکنید»؛ یعنی: آنچه را با زبان خوب یا بد می دانید در عمل هم مورد توجه قرار دهید.

گذشته از گفتار، سیره معصومان: نیز نشان می دهد که آنچه را آنان از دیگران می خواستند، پیش از همه، خود بدان عمل می کردند. به عنوان نمونه، فاطمه زهرا (س) ضمن هدایت فرزندان به انجام فرایض دینی، خود ارزش واقعی آن را عملاً به آنان نشان می دادند. در همین زمینه، از امام حسن مجتبی (ع) نقل شده است: «در یکی از شب های جمعه، دیدم مادرم، زهرا (ع)، تا صبح نماز خواند و برای تک تک همسایه ها دعا نمود ولی برای خود و اهل خانه دعایی نکرد. پرسیدم: چرا این همه برای دیگران دعا کردی و برای خود دعا نکردی؟ فرمود: یا بنی، الجار ثم الدار؛ فرزندم، اول همسایه، بعد اهل خانه»

از این روایت، استفاده می شود که شیوه حضرت زهرا (س) در تربیت فرزند، تلفیق میان علم و عمل بوده و فرزندان ایشان نیز با الهام از رفتار مادر، چنان تربیت یافتند که هر کدام به عنوان یک مربی بزرگ، مسلمانان را هدایت کردند و اگر آن ها نبودند امروز چیزی به نام اسلام وجود نداشت.

از آنچه گفته شد، لزوم مطابقت رفتار با گفتار والدین در محیط خانه روشن گردید. پس لازم است پدر و مادر در برابر فرزندان، مراقب عملکرد خود باشند تا مبادا در اثر رفتار نادرست آنان، آسیبی به تربیت دینی کودک برسد

**۵-۴ تأیید رفتار نیک فرزند:** عامل دیگری که در تربیت دینی کودک در محیط خانه بسیار مؤثر است تأیید رفتارهای مطلوب او به وسیله والدین است. کارهای درستی که از کودک مشاهده می شود. اگرچه غیر دینی و معمولی باشد. اگر با تأیید و تحسین والدین مواجه شود، تداوم می یابد. تأیید رفتار کودک از سوی والدین ممکن است به شیوه های زبانی یا عملی صورت گیرد که هر کدام به نوبه خود، در تکرار آن تأثیر فراوان دارد. اگرچه تأیید عملی از کارهای مثبت در تربیت او تأثیر دارد، ولی تأیید کلامی از او مانند گفتن «آفرین، بسیار خوب» بیش تر مؤثر است؛ زیرا کودک در دوره کودکی، برای جلب توجه والدین به خود، به دستورات آنان بیش تر عمل می کند.

اساساً یکی از شیوه های تربیتی قرآن مجید ایجاد انگیزه و رغبت در افراد صالح و برقراری موازنه میان عمل و پاداش است. عوامل ایجاد انگیزه در قرآن متعدد است؛ گاه از طریق وعده پاداش فراوان و چندین برابر عمل، فرد را به انجام کار نیک تحریک می کند. گاه از طریق تعلیمات عمیق دینی و اسلامی انسان را چنان صالح و متقی بار می آورد که خود به دنبال کارهای با ارزش می رود و جز به کسب رضایت خدا نمی اندیشد.

در زمینه پاداش های اخروی اعمال نیک انسان، لسان آیات متفاوت است. برخی آیات می گویند: «هر که عمل نیکی انجام دهد، ده برابر پاداش می گیرد»، برخی دیگر از آیات تعبیر «ضاعفا کثیره» (رم: ۳۰) دارد؛ یعنی: چندین برابر، برخی نیز پاداش هفتصد برابر و بی حساب را ذکر می کنند. این تفاوت ها در میزان پاداش الهی بیان گر آن است که اجر و جزای اعمال بر اساس درجه اخلاص و نیت انسان تعیین می شود؛ یعنی: هر اندازه کیفیت اعمال بالاتر باشد، پاداش بیش تر خواهد بود.

## نتیجه گیری

در نهاد هر انسانی، حس دینی و میل به خداجویی وجود دارد. در قرآن کریم، از این گرایش ذاتی به «فطرت الله» (بقره: ۲۴۵) تعبیر شده که از آغاز زندگی، به تدریج نمایان می شود و در رشد و شکوفایی آن، تربیت نقش اساسی دارد. به همین دلیل، تربیت درست و هماهنگ در محیط خانه و مدرسه زمینه رشد و شکوفایی سریع آن را فراهم می سازد. استفاده از شیوه های مناسب تربیتی در محیط خانه و عرضه درست معارف دینی و مذهبی به دانش آموز در تربیت دینی او تأثیر فراوان دارد. بنابراین بر پدران و مادران لازم است که تمام تلاش خود را نسبت به تربیت مطلوب دینی فرزندان خویش به کار گیرند؛ از جمله اقدامات تربیتی در جهت تحقق یافتن عوامل اصلی تربیت دینی خانواده فعالیت های دینی و فرهنگی والدین است که به منظور تأمین شرایط مساعد تربیتی صورت می گیرد. به طور کلی، از نظر اسلام، تربیت یافته کسی است که در محور شناخت، ایمان و عمل به احکام کاملاً فعال باشد. در تربیت دینی دانش آموزان توسط خانواده ها باید به این نکته توجه داشت که خانواده ها می توانند با مطالعه کتاب های متعدد در زمینه دین و تعلیم و تربیت دانش آموزان را از نظر دینی پربار کنند و همچنین صرف غذای حلال در خانه می تواند در تربیت دینی دانش آموزان تأثیر بسزایی داشته باشد همچنین دانش آموزان در متوسطه اول رابطه صمیمی با خانواده داشته باشند می توانند نیازهای دینی خود را در خانواده برطرف کنند و اگر این نیاز تأمین شود باعث به وجود آمدن فساد در جامعه بشود پس لازم است که ابعاد تربیتی دانش آموزان هماهنگ با مدرسه و خانواده ابتدا در کانون خانواده و سپس در مدرسه رشد و پرورش پیدا کند. به این صورت که حتی تغذیه مادر در دوران بارداری تا دوران نوجوانی او بسیار موثر در تربیت دینی است خانواده ها باید با شرکت در کارگاه های تربیت دینی زمینه هر چه سریعتر رشد فرزندان خود را فراهم آورند دانش آموز بتواند نیازهای اولیه دینی خود را تأمین کند. بر اساس بینش اسلامی، هر انسانی از هنگام تولد با فطرت الهی و گرایش به خداشناسی قدم به عرصه زندگی می گذارد؛ ساختار وجودی انسان به گونه ای است که او را به سوی خدا هدایت می کند و در این میان، تفاوتی بین مسلمان و غیر مسلمان وجود ندارد، بلکه همه انسان ها در آغاز زندگی، از استعداد خاصی برای حقیقت جویی و نیل به کمال بهره مندند و به فرموده پیامبر اکرم (ص)، «کل مولود یولد علی الفطرة» هر نوزادی با فطرت خدایی زاده می شود.

با وجود این، فطرت و ساختار وجودی انسان در هر شرایطی به صورت یکسان عمل نمی کند و ممکن است عوامل نامساعد بیرونی و محیط ناسالم زندگی مانع از شکوفایی و بروز نقش صحیح آن گردد. بر این اساس، لازم است به این جنبه از وجود آدمی توجه ویژه ای مبذول گردد تا حس دینی اش شکوفا گردد، به خصوص در مورد کودکان و نوجوانان، توجه به این جنبه وجودی آنان اهمیت فراوان دارد؛ زیرا نسبت به بزرگ سالان تربیت پذیرترند. این کار تنها در سایه تربیت صحیح امکان پذیر است.

## منابع

- مظلومی، رجب علی. ۱۳۶۴. گامی به سوی تربیت: نشر آفاق مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار
- اعرافی، علیرضا. همکاران. ۱۳۷۶. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام: قم دفتر همکاری حوزه و دانشگاه
- شریعتمداری، علی. ۱۳۷۴. روانشناسی تربیتی: امیر کبیر
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. واژه تربیت و دین
- مصباح یزدی، محمد تقی. اخلاق در قرآن
- همو، ۱۳۷۴. اطلاعات: تهران
- کریمی، عبدالعظیم. ۱۳۷۴. تربیت دینی: قدیانی
- اهداف تعلیم و تربیت در اسلام، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه،
- «جمعه: ۲»: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة شفیع، محمد. مبانی تربیتی حضرت امام. دفتر تبلیغات اسلامی
- دبی، موریس. ۱۳۷۴. ترجمه کاردان: دانشگاه
- امینی، ابراهیم. ۱۳۶۸. آیین تربیت: قم: اسلامی
- عباسی، مصطفی. ۱۳۷۱. نقش اسوه ها در تعلیم و تربیت. سازمان تبلیغات اسلامی
- امینی، ابراهیم. آیین تربیت
- شعاری نژاد. روانشناسی رشد
- قیومی، جواد. ۱۳۷۴. صحیفه الحسین (ع). قم: اسلامی
- مکارم شیرازی، ناصر. دیگران. تفسیر نمونه: ۲۸۶؛ ذیل آیه «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم اهلیکم نارا وقودها الناس و الحجاره»
- هیثمی، نورالدین. مجمع الزوائد: ۱۵۸؛ عن رسول الله «من کانت له ابنه فادبها و احسن ادبها و علمها و احسن تعلیمها و اوسع علیها من نعم آلتی اوسع علیه کانت له منعه و ستر من النار»
- تفسیر المیزان
- مکارم الاخلاق، ۱: ۱۹۶؛ عن رسول الله (ص): «اطعموا المرأة فی شهرها الذی تلد فیہ التمر فان ولدها یتقیا»
- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱: ۱۷۵؛ عن امیر المؤمنین (ع): «ما من لبن رضع به الصبی اعظم بركة علیه من لبن امه»
- مجلسی، محمدباقر. ۱۰۳: ۳۳۳؛ عنه (ع): «توقوا علی اولادکم لبن البغی من النساء و المجنونه فان اللبن یعدی»
- شیوه های صحیح امر به معروف و نهی از منکر، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹
- دشتی، محمد. مسئولیت تربیت
- کلینی، محمد بن یعقوب. اصول کافی: ۱۸؛ عن رسول الله (ص): «انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم»
- شیوه های صحیح امر به معروف و نهی از منکر
- نحل: ۱۲۵: «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جادلهم بالتی هی احسن»
- مجلسی، محمد باقر: ۱۹۸؛ عن ابی عبد الله (ع): «کونوا دعاة الناس باعمالکم و لا تكونوا دعاة بالسنتکم»
- پارسیا، محمد. ۱۳۷۴؛ مکارم شیرازی، ناصر: روان شناسی تربیتی: سخن. «من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و من جاء بالسینة فلا یجزی الا مثلها